

شترداری و کویر

سوار کردند، به امر خداوند کوهانی دیگر بر پشت آن شتر برآمد، تا آن جناب را نشستن بر پشت شتر آسان باشد، و شتران دو کوهان همه از نسل آن شترند». این شتران قوی و زورمندند، و بار بسیار می برند.

ب: زالو ۲ و کرشمی ۳ که از نواد شتران سیستان و بلوچستانند، و شترهایی راهوار، باریک میان و کم پشم اند، و در راه پیمودن چالاک و پرتوانند، و بگانه نیاز در ساعت شش تا هفت فرسخ راه می سپرند (۳۶ تا ۴۰ کیلومتر).

پ: شترهای بومی خور که به «اروانه» ۴ و لوک ۵ مشهورند. که در این مختصر هم شتر نر را «لوک» و شتر ماده را «اروانه» می نامیم.

مرغزی هنری

تولید مثل

برای تخم گیری باید شتر نر مست شده باشد، و شتر ماده هم مایل، «به لوک آمده باشد».

در تابستان شترهای رها در بیابان (رگا) در گروه های ده - بیست تایی باهم، می چرند جوان ها با جوان ها، و پیرها با پیرها.

از اواسط آذرماه لوک ها مست می شوند، و هر لوک مست از گروه جدا می شود، تا ارواندهای خود را تصرف کند. و به دلخواه گروهی شتر ماده را در اختیار می گیرد، که ضابط و چگونگی انتخاب نامعلوم است:

میان دلبر و دل دار رمزی است

هر جا که انسان توانسته زندگی کند و آب و خوراکی بدست آورد، حیوانات را نیز اهلی کرده و با موقعیت زیستی خویش تطبیق داده است. و شتر که تحمل بی آبی بسیار دارد، توانسته بازندگی کویر نشینان همراه شود و خود را به دنبال انسان های سخت کوش و پرتوان، در جنگ با طبیعت خشن کویری در مسیر زندگی بکشانند، و حاشیه نشینان کویر را در جدال با کویر باری دهد.

شتر در زمان های پیشین وسیله ارتباط بین شهرها و روستاهای کویری بوده، و روابط مردمان کویر را مستحکم و استوار، و دل ها شان را بهم نزدیک داشته است. و اکنون با وجود آن که بعالت استفاده از اتومبیل از اهمیت شتر کاسته شده است بسیاری از راهها را هنوز هم تنها با شتر می توان در نوردید، و در میزانی محدود نیز برای استفاده از گوشت و پشم در بعضی از روستاهای کویری شترداری اندک رواجی دارد، اما به هر حال شتر بانان به کارهای پردرآمدتر دست زده اند و شترداری و شتربانی هم می رود که راه زوال پیش گیرد.

بدین جهت این قلم که در خدمت شناخت و شناساندن کویر و کویر نشینان است بر سر آن است که در این گفتار به بررسی زندگی شترداری و شتر بانان در خود پردازد.

نژاد شتران

خوری ها شتران شان را از نژادهای مختلف می دانند، بدین گونه:

الف: شتر نرچه، که اصل آن را از آذربایجان می دانند، و معتقدند که از نژاد شترهای دو کوهانند. در مورد شتر های دو کوهان نیز عقیده شان بر این است که «در آن زمان که پس از وقایع کربلا حضرت امام حسین بن علی علیه السلام شهید شد، فرزندان و خواهران آن جناب اسیر سپاهیان یزید شدند، امام زین العابدین را بر شتری عریان

چه داند آن که اشتر! می چراند.

(که در اینجا باید بمناسبت چنین خواند «... که داند؟ آنکه اشتر می چراند») یک لوک برای ۵۰ تا ۱۰۰ شتر کافی است و از آن ها نگهداری می کنند. در این هنگام لوک با حرمسرایش در بیابان ها راه می سپرد. بعضی از شتران ایلعخی (یا بقول خوری ها بلعخی) در موقع مستی اگر چشمشان به آدمی بیفتد حمله می کنند، و گاه خود را روی او می اندازند و خفه اش می کنند. در این موقع اگر لوک مست دیگری به آنها بر بخورد، دو لوک مست کله های خود را تابتوانند بلند می کنند و پاهایشان را گشاد می گذارند و می خرنند و دم خود را به شدت بزر شکم و روی کمر می زنند. به اینکار دم شکافی می گویند اگر لوک رهگذر به راه خود رفت که هیچ ولی اگر خیال ناچوری بسرش زد و خواسته خلفه های او را

۱- narca

۲- zalu

۳- korli

۴- arvuna

۵- lukexalf

۶- Rega = یعنی رها بودن است، و تلفظ محلی کلمه «رها».

۷- xalfa = ماده شترهایی که همراه لوک مست هستند.



شترهای بلخی در کویر

Chameaux en liberté dans le désert.

گیری همان اواخر زمستان و اوایل بهار است ، شتر مست خوراك ندارد ، و شاید که مستی و عشق حال و هوای غذا خوردن برایش نمی گذارد.

بهار اومد که من مست بهارم
چو لوک مست سردار نظاره
همه لوکا دو صد من بار دارن

من مسکین فراق یسار دارم
البته در سالهایی که بارندگی بیشتر باشد ، شتران نیز توانی افزون برای جفت گیری دارند ، چه ساربانان می گویند ، اروانه به هنگام جفت گیری باید نافش روی زمین نماند باشد.

شتر نر بزودی می فهمد که اروانه آبستن شده ، و دیگر به او کاری ندارد و نزدیکی نمی کند ، و با او مهربانی و ملامت می کند ، و نازش را می کشد و او را از لوکهای دیگر حفاظت می کند . اما ساربانان تا ۱۵-۱۰ روز بعد از آبستنی اروانه آگاه نمی شوند ، و نشانه آبستنی را این می دانند ، که وقتی شتر نر « ناله می زند ، و کیسه ازدهانش بیرون می آورد » شتر ماده دمش را بلند می کند ، که می گویند « اروانه دم برداشته و آبستن است ».

بدان هنگام که آفتاب سوزان کویر تابستان زودرس را

تصرف کند ، شتر مسته صاحب می جنگد ، و جان بر سر غیرت می گذارد ، یا متجاوز را می کشد .

هر شتر ماده ای که به لوک آمد و هوس نر کرد ، از جمع جدا می شود ، لوک می فهمد و به دنبال او می رود . و در گوشه ای دور از راه کاروانین می خوابد و لوک روی او می نشیند .

در میان گروه اروانه هایی که همراه یک لوک هستند ، لوک بایکی لج می افتد ، و او را گاز می گیرد ، و می زند ، و از خود می راند و با او نزدیکی هم نمی کند . و در اصطلاح می گویند « زده اش کرده » تعداد شترهای ماده هر چند که باشد ، شتر نر فقط یکی را دست نشان می کند ، تا ناراحتی ها و دق دلی هایش راسر او در آورد ، و در ضمن نمی گذارد تا این اروانه از جمع بیرون رود ، و او را در خانواده خود نگهدارند .

ساربانان برای این که لوک را وادار به جفت گیری با این اروانه کنند ، جهاز و اسباب اروانه را عوض می کنند ، و با پارچه ای روی سر لوک می اندازند تا اروانه را نشناسد و با او جفت گیری کند که این نوع جفت گیری را می گویند « لوکش زده است » .

اگر بخواهند شتر ماده ای را « شتر خان » آبستن کنند ، شتر نر مست را نزد او می برند ، و می کوشند تا لوکی خوش رنگ ، خوش تیافه ، و رشید را برگزینند ، و به هجمله گاه اروانه بیاورند ، و یا در حال جفت گیری شتر خوش ذاتی را جلوی لوک و اروانه می برند ، تا بچه مثل شتری شود که جلوی آنهاست . نزدیکی شترهای نر و ماده از اواسط آذر تا اواسط اردیبهشت ماه به طول می انجامد ، که بیشترین هنگام جفت-

۸- شترخان یا بقل خوریا «اشتر خون» «često xun». چهار دروازی بزرگی است برای زندگی شترها در روستاها ، که شاید «خانه شتر» باشد.
۹- لوکها.

اگر اروانه بارکشی کند يك سال، و اگر در بیابان رها باشد سیزده، چهارده ماه حاملگی طول می کشد. اندازه های زایمان شتر این است که بیخ دم اروانه طوری نرم می شود، که گمان می کنند استخوان لگن خاصره اش از هم جدا شده که می گویند «تختش شکسته» یا «تختش لسی شده» است. در این هنگام شتر در مرغ چال ها غلت می زند، و اگر زایمان نزدیک شده باشد به اردو پهلو می غلتد، که می گویند «دوغلته شده». بیخ دم «تیر می کشد» و برآمدگی توده بلند می شود و روی

می آورد و در اواسط اردیبهشت گرماء عشق و مستی را از سر شترها می راند، هر لوك از حرمسرایش دور می شود و گروه اروانه های آبستن را به حال خود وا می گذارد و به نزد لوك های دیگر می رود.

شتر ماده در چهار سالگی قابلیت تخم گیری پیدا می کند، ولی اتفاق افتاده که اروانه ای در دو سالگی هم حامله شود، که می گویند به حرامی آبستن شده است، و معمولاً شتر ساده يك سال در میان آبستن می شود، و در هنگام حاملگی



شتران در حال استراحت در کویر
Chameaux au repos dans le désert.

کفل نرم و آبکی و شل می شود.

در وقت زایمان شتر می خوابد و پشت سر هم به دو طرف می غلتد، سپس کیسه ای پر آب خارج می شود، که به آن «آب دان» می گویند، بعد دست ها که دو طرف گذاشته شده بیرون می آید، بعد کمر و کوهان و بعد پاها خارج می شود - دم لای پاها است - و سپس جفت بیرون می آید، که در زبان خوری به آن «سلا» می گویند. اگر ساربان می موقع زایمان

در راه رفتن و دویدن بسیار احتیاط می کند که بچه اش نیفتد.

شتر نر هم از چهار پانچ سالگی مست می شود و می تواند تخم بدهد، و نشانه های مست شدن لوك هم این است، که می غرد و ناله می کند، و به هنگام نالش کیسه ای شبیه به جگر سفید گوسفند - و به همان اندازه از گوشه دهانش بیرون می آید و پراز باد می شود، ولی وقتی شتر را کشتند، از این کیسه خبری نیست. و علامت های دیگر مستی شتر این است که، کم اشتها می شود، شکمش کوچک می شود، و فریاد می کشد، بوی بد می دهد، و به هنگام غرش همسراه کیسه کف از دهانش بیرون می آید.

۱۰- مرغ چال mar çal = هم منی و هم ریش، مرغزار، و بمنی مرغ، و هم بمنی جایی است که شتر با دست و پا نرم می کند و سنگ ها و خوره ها را به کنار می ریزد تا در آنجا بمانند، اصطلاح خوری است.
۱۱- سلا Salâ = جفت.

باشد، برای سلامت شتر بهتر است، و معمول هم هست. شتر بان «سلا» را زیر خاک می‌کند، و اگر کسی نباشد، شتر خود با پا مقداری خاک روی آن می‌ریزد. بعضی از شترها نمی‌گذارند، حتی ساربان به بچه‌ی آنها دست بزند. بچه‌ی شتر را «حاشی» ۱۲، می‌گویند. شتر تنها حیوانی است که در هنگام زایمان دادو فریاد نمی‌کند و بی‌سرو صداست. و دیده نشده که که دوقلو و سه‌قلو بدنیا بیاورد. معمولاً شتر ماده از چهار سالگی آمادگی زایمان دارد.

شیرخوارگی

اروانه بلافاصله پس از زایمان بلند می‌شود، و بچه‌اش را بازبان پاک می‌کند. حاشی هم کم‌کم برمی‌خیزد و روی دست و پامی‌ایستد، و بطرف پستان مادر می‌رود تا «فله» ۱۳ بخورد. اگر حاشی نتواند پستان بگیرد، به او مقداری روغن کوسفند می‌خورانند، و بعد «فله» را می‌دوشند و به حلقش می‌ریزند. بعدجان می‌گیرد و خودش شیر می‌خورد.

ممکن است اروانه قبول نکند که بچه‌اش شیر او را بخورد، که در این حالت شتر را «چرمه» ۱۴ می‌کنند، یعنی گلوله‌ای از پارچه درست می‌کنند، و توی کونش می‌گذارند، و بعد مقداری از پرده‌هایی را که روی حاشی بوده، به دماغش می‌مالند، و به این صورت به او می‌فهمانند، که بچه مال خود اوست، و محبت مادریش را به یاری می‌گیرند، در این هنگام است که شتر با میل و رغبت می‌ایستد، و شیرش را به بچه‌اش می‌دهد.

مدت شیرخوارگی حاشی پنج تا شش ماه است، و برای از شیر گرفتن بچه، شتر ماده (اروانه مادر) را گرفته در «کاج» ۱۵ می‌بندند و بچه را بطرف دیگر می‌برند، و به اصطلاح حاشی را «رگا» ۱۶ می‌کنند. واکثراً برای این که حاشی‌ها را بشناسند، آنها را داغ می‌زنند.

پس از اینکه شتر و بچه را از هم جدا کردند و حاشی را در بیابان‌ها ساختند، آن‌ها از دوری همدیگر فریادها و ناله‌های جان‌سوز می‌کنند، که به آن «گره» ۱۷ می‌گویند. بیش از رگا شدن، گوش بعضی از حاشی‌های ماده را از طول می‌برند، که به آن چهارگوش می‌گویند و برای زیباتر جلوه کردن شتر است.

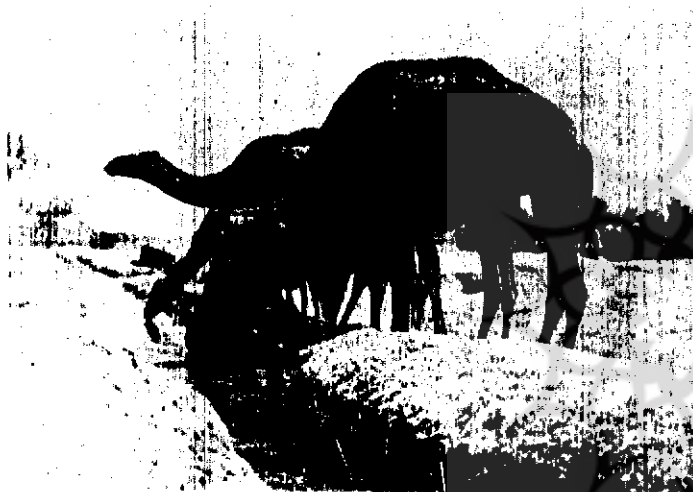
بعضی از شتران ماده خودش اصل را برای زایمان نگهداری می‌کنند، و بار بر آنها نمی‌نهند. این شتران ممکن است تا یک سال هم به بچه‌شان شیر بدهند. و دیده شده که گاه ده بیست حاشی «رگا» شده دیگر هم همراه او هستند، که به آن اردانه «شتر جاله‌کش» می‌گویند. که آن‌ها به جوانان راه و رسم چریدن و چسیدن می‌آموزند، و آن‌ها را رهبری و

رهنمایی می‌کنند.

اگر پس از دو هفته مادر و بچه هم در بیابان بهم برسند، حاشی شیر نمی‌خورد و بدین گونه از شیر گرفتگی کامل می‌شود.

شیر شتر که آنقدر مشهور است خود غذای است کامل و بسیار مطبوع و مقوی، شتر بانان آن را در لگن‌های بزرگ می‌دوشند، و نان در آن ترید می‌کنند، و به اشتهای تمام می‌خورند.

شیر شتر شور مزه و بسیار اشتها آور است، و بی‌اشتهایان آن را بعنوان دوا هم می‌خورند. که به آن دوغ شتر هم می‌گویند ۱۸، زهر اشیر شتر تبدیل به ماست نمی‌شود، و به همان گونه قابل خوردن است.



شتران در آبخور
Chameaux à l'abreuvoir.

۱۲ - hâši

۱۳ - Fella = آغوز، اولین شهری که از پستان پس از زایمان می‌آید، که شهری بسیار چرب و مقوی و غلیظ است.

۱۴ - Corma

۱۵ - دالان‌های دراز و سرپوشیده‌ای را که جایگاه شتران است، «کاج» می‌گویند.

۱۶ - rogâ، تنها در این مورد به ضم «ر» تلفظ می‌شود.

۱۷ - gorra، این کلمه شاید باوازه «گره» رابطه‌ای داشته باشد، چه دیده شده که شتر در دوری از صاحبش هم «گره» می‌کند.

۱۸ - این کلمه «دوغ» در اصل بمعنی شیر است، و کلمه «دختر» را هم بمعنی «شیردرش» دانسته‌اند، و «دوغ» (نام مادر زودشت) را نیز به همین معنی از همین ریشه می‌دانند. در زبان خودی «دوغ»، «دو dâ» گفته می‌شود.

نام گذاری

شتر در سال های مختلف به نام های گوناگون نامیده می شود، ولی بطور کلی در سال های جوانی شتر نر را «لوکی» و شتر ماده را «مجی» می گویند.

ح: در سال هفتم دو دندان باقی مانده شیری می افتند و بجایش دندان ماندگار بیرون می آید، و این چنین است که شتر تمام دندانهای شیریش را از دست می دهد و دندانهای محکم جانشین آنها می شود که در این سال شتر را «گرد دندون» می گویند.

خ: در سال هشتم از دو طرف دندانهای پیشین (در آرواره پایین) دو نیش باریک و دراز بیرون می آید، و در این سال شتر را «سرنیش» یا «نیشکی» می گویند.
 ذ: از سال نهم به بعد حساب سن شتر را با سالهایی که از نیش بیرون آوردنش گذشته نگه میدارند.
 ز: پنج سال که از نیش گذشت (از سیزده سالگی به بعد) حساب از دستشان درمی رود، و به نام «لوك ميئن سال» یا «اروونه میان سال» و سپس «پیره لوك» یا «پیره اروونه» نامیده می شود.

نام بعضی از اعضای بدن شتر:

بعضی از اندام شتر نامی ویژه دارد، بدین گونه:
 جفده ۲۷: دسته ای مو و پشم زبر حلق را گویند.
 سفنه ۲۸: موضعی بی پشم و کرک است در زیر سینه شتر، نزدیک دستها، که همانند و هم اندازه کف دست و پاهای شتر است، و بگام خوابیدن پس از خم کردن دست آنرا بر زمین می نهد.
 زنگچه: مانند سفنه است، و روی دستها و پاها قرار دارد بدانجا که دست و پا خم می شود، برای آنکه بگام خوابیدن بر زمین قرار گیرد. و خستن و برخاستن شتر با آن هیكل سنگین و بارهای گران به باری چهار زنگچه و سفنه است.
 نعل: کف دستها و پاها را گویند، که خیلی پهن است با وجود نرمی بسیار، بقاییت محکم و مقاوم و پرتوان است، ساییده نمی شود و نمی لغزد.

سن	شتر نر	شتر ماده
نوزاد	حاشی لوکی	حاشی مجی
یک ساله	بنلبون ۲۰ لوکی	بنلبون مجی ۲۱
دو ساله	حق ۲۲ لوکی	حق مجی
سه ساله	جمع ۲۳ لوکی	جمع مجی
چهار ساله	کل ۲۴ لوکی	کل مجی
پنج ساله	دو دندون	دو دندون
شش ساله	چار دندون	چار دندون
هفت ساله	گرد دندون	گرد دندون
هشت ساله	نیشکی ۲۶	نیشکی
نه ساله	لوك يكها از نیش رفته	اروونه يكها از نیش رفته
ده ساله	لوك دوبا از نیش رفته	اروونه دوبا از نیش رفته

الف: شتر نر بطور کلی در جوانی «گمود» و بعد «لسوك» و در پیری «پیره لوك» نامیده می شود.

ب: شتر ماده بطور کلی در جوانی «مجی»، بعد «اروونه» و در پیری «پیره اروونه» نامیده می شود.

پ: بچه شتر (حاشی) وقتی که بدنیا می آید دندانهایش کامل است، به این ترتیب که شش دندان پیشین در جلو آرواره پایین دارد ولی جلو آرواره بالا دندان ندارد و در فك پایین و بالا دندان آسیاب (دندان کرسی) دارد. بدندانهای نوزاد شتر «دندان شیری» می گویند.

ت: از سال اول تا چهارم، شتر نر و ماده به ترتیب «بنلبون»، «حق»، «جمع» و «کل» نامیده می شود.

ث: در توجیه نام «حق» می گویند، که از این سال به بعد صاحب شتر «حق بار نهادن» بر آن را دارد. و در باره «جمع» می گویند که موی شتر تا سه سالگی تاب دار و مجعد است.

ج: در سال پنجم دوتا از دندانهای شیری پیشین از وسط می افتند و بجای آن دو دندان محکم بیرون می آید و به این دلیل او را «دو دندون» می گویند.

چ: در سال ششم دوتای دیگر از دو طرف دندانهای سال پیش می افتند و بجای آنها دو دندان دیگر بیرون می آید. به این ترتیب شتر صاحب چهار دندان محکم می شود، و او را «چهار دندون» می نامند.

۱۹ - meji
۲۰ - bentabun

۲۱ - شتر ماده یک ساله را تنها در اسناد و نوشته ها «بنت لبون» گویند، البته تنها در نوشته ها و نه در گفتگوها. و گمان من واژه «بنت لبون» راهی است ساختگی، که آن را قلم بدستها در برابر «بنلبون» ساخته اند، که تصور کرده اند ترکیبی است از «بنت لبون»، تا به دلیل آن که در محاوره «بنت لبون» کاربرد ندارد.

۲۲ - haq

۲۳ - ja:d

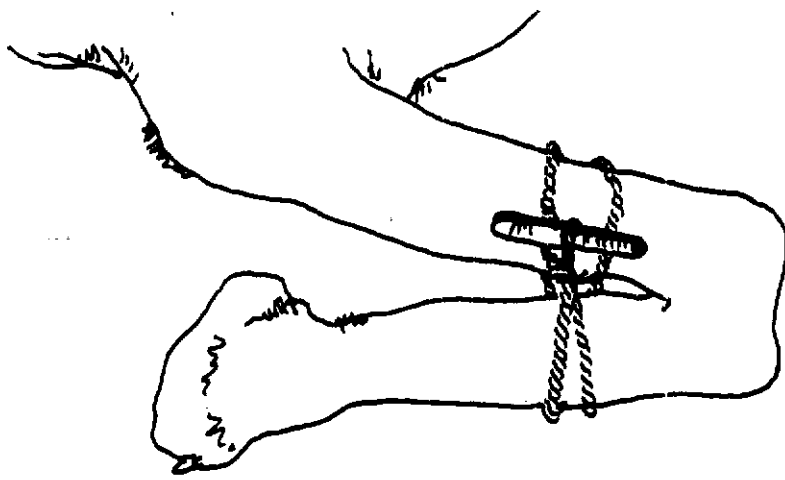
۲۴ - kal

۲۵ - gerd

۲۶ - pišaki

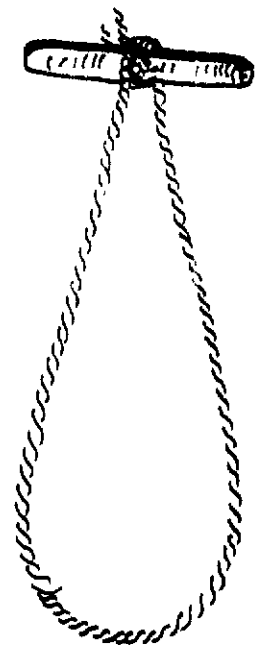
۲۷ - jošda

۲۸ - sefna



طرح «عقال» برای شتر
Fig "Agal".

Lien servant à immobiliser les chameaux.



شتر، یار آشنای کویر نهبندان

Le chameau, ami des habitants du désert.

کوهان ۲۹: کوهه‌ای از چربی است، بر استخوان پشت شتر، که زین و برگ و جهاز را چنان می‌سازند که در اطراف کوهان باشد.
اگر کوهان بلند باشد «علم کوهان» و اگر پهن و تخت باشد «دبه ۳۰ کوهان» گویند.
چغزاق ۳۱: قسمت عقب کمر، و روی لگن خاصره شتر را گویند، که «کلاغ نشین» هم نامیده می‌شود.
آنشگاه: قسمت جلوی پشت، و نزدیک کردن را گویند.
آبگاہ: پهلوی شتر باند.

داغ نهادن بر شتر

هنگامی که می‌خواهند بچه شتر را از مادر جدا کنند و او را «رگا» سازند رای بن که بعدها شناخته شود، داغ می‌زنند. داغ نقشی است ساخته شده از میله فلزی، که روی دسته‌ای فلزی قرار دارد. و برای داغ کردن شتر آن را در آتش قرار داده، و روی کردن، یا صورتت با پهلوی دماغ شتر می‌گذارند، و با سوزن بدن پوست داغ می‌گذارند.
۱- الف داغ: داغ یک خطی است، بطول تقریبی ۶ سانتیمتر.
۲- گل داغ: یک نقطه بزرگ است، به اندازه یک مکه دو-

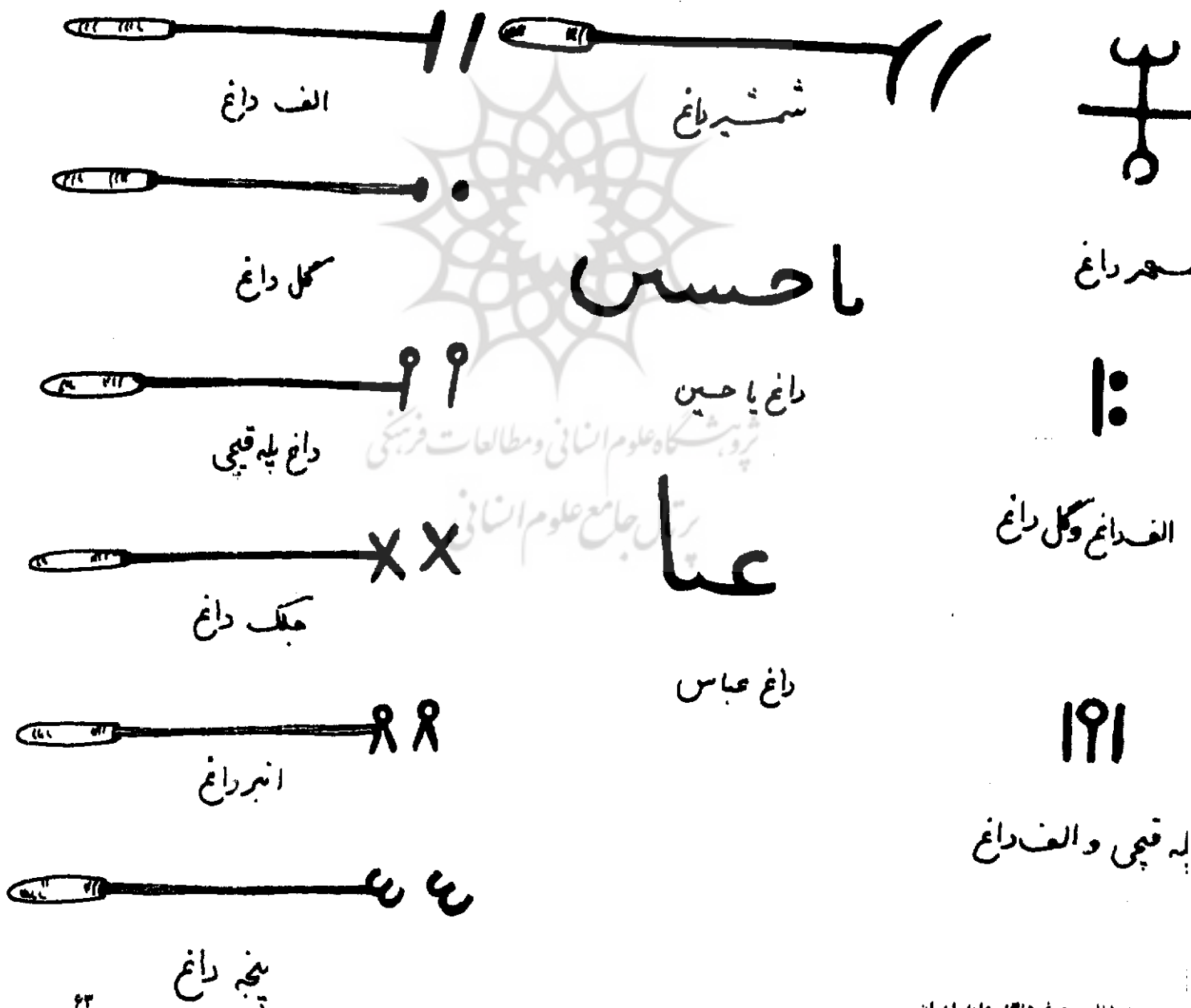
- ۲۹-kohun
- ۳۰-dabba
- ۳۱-fo x az

که کلمه «یا حسین» بدون نقطه است (یا حسین).
 ۹- عباس: روی صورت شترهای وقتی، که وقف حضرت عباس باشند، این داغ را می‌زنند، (عما).
 بقیه داغ‌ها ترکیبی است از داغ‌های فوق، مثلاً مهر داغ ترکیبی است از جلك داغ (+) که به پایین خط عمودی يك دایره و به بالای آن، پنجه داغ است.
 هر کسی داغی مخصوص خود انتخاب می‌کند، و وقتی که شتر دایره خود را به دیگری فروخت به آن «باطل داغ» می‌زند، یعنی آن داغ را با خط یا سوزاندن از بین می‌برد، تا صاحب بعدی داغ خود را بزند.

ریالی.
 ۳- پله قیچی: خطی است که به يك سر آن دایره‌ای توخالی متصل است.
 ۴- جلك داغ: (jalak): «جلك» بمعنی دوك نخ‌ریسی است و این داغ يك علامت باضافه (+) است.
 ۵- داغ انبر: دایره‌ای توخالی است، که به آن دوخط زاویه‌دار متصل است.
 ۶- پنجه داغ: مانند آغاز حرف «ش» سه دندانه است (00).
 ۷- شمشیر داغ: يك خط پهن هلالی است، مانند تیغه شمشیر.
 ۸- یا حسین: روی صورت شترهای وقتی، که وقف حضرت امام حسین (ع) باشند داغ «یا حسین» می‌زنند.

قش داغهایی که برهتران می‌نهند

Différents modèles de "fers" qu'on porte au rouge pour marquer les chameaux.



بهره‌وری

شتر نقش مهمی در زندگی کویرنشینان دارد، و مهمترین استفاده‌ای که از شتر می‌کنند بدین شرح است:

الف: استفاده گوشتی - گوشت شترخوش مزه و مطبوع است، و بخصوص در زمستان‌ها، بیشتر گوشت موردتغذیه کویرنشینان از شتر تأمین می‌شود. برای کشتن دست و پای شتر را می‌بندند، و زیر گلویش را نزدیک به سینه با کارد می‌درند، و گاه که شتر برمی‌خیزد و می‌گریزد به گردش می‌آویزند و کارد را در گلویش فرو می‌کنند. کشتن شتر را نحر کردن می‌گویند. مردم معتقدند که خوردن گوشت شتر آدم را غیرتمند و با تعصب می‌کند، و بدینگونه این صفت از شتر غیرتمند و با تعصب به انسان انتقال می‌یابد، برعکس گوشت خوک، (و می‌گویند که به همین جهت گوشت خوک در اسلام حرام است).

ب: پشم شتر - پوست شتر پوشیده از پشم بسیار نرمی است، که از آن برای بافتن عبا و قالی و پارچه‌های پشمی و تهیه کت‌هایی بنام «برک» استفاده می‌کنند.

هنگام پشم چینی از شتر در اردیبهشت ماه است. پشم شتر را از دو سالگی می‌چینند، و بهترین پشم هم پشم شتر دوساله است.

برای این کار شتر را می‌خوابانند و با قیچی‌های بزرگ شروع به چیدن پشم می‌کنند. معمولاً یک شتر دوساله در حدود ۲ کیلو و شتر بزرگ در حدود ۳ کیلو پشم دارد. شتری که آبستن است (خزانه) بیشترین پشم و شترزائیده کمترین پشم را دارد.

پشم‌های چیده شده را روی زمین هموار و پالک پهن می‌کنند، و سپس لوله کرده بصورت یک گلوله در می‌آورند، به این گلوله پشمی «بیده» می‌گویند. تاچران بیده را می‌خرند و به بازرگانان یزد و اصفهان می‌فروشند.

پشم شتر سرخ گرانتر از پشم شتر سیاه است، و هرچه شتر جوانتر باشد پشمش گرانتر است.

پس از پشم‌گیری تن شتر را با روغن مذاب چرب می‌کنند، که از دانه‌های کنجد مانند منداب گرفته می‌شود. اگر بدن شتر را چرب نکنند موجب گرمی شتر می‌شود.

پ: باربری - در گذشته تنها وسیله حمل و نقل در کویر شتر بود و این حیوان نجیب و بردبار بود که فرسخ‌ها راههای خشن کویر و شن‌های داغ و کاسه کویرها را زیر پا می‌نهاد. هم‌اکنون نیز گذر از کویر رانها بر شتر می‌توان، چه هر شتر کشتی نرم بی و هموار روش را می‌ماند، در دریای سیحگون کویر.

شتری که دوسالش تمام باشد، برای بارکشی دارد، و

ساربانان از اوایل فروردین تا آبانماه شترها را گرد می‌آورند و جل و جهاز بر پشت می‌گذارند. هنگام بارکشی را «سرجهاز بند» می‌گویند.

برای تهیه جل ۲۳ مقداری پارچه را روی نمدی به اندازه ۲ × ۵/۲ متر می‌گذارند و آژیده می‌کنند. وسط آن سوراخی است که کوهان شتر در داخلش قرار می‌گیرد، جل بوسیله طناب به گردن شتر بسته می‌شود. روی جل، جهاز ۲۵ قرار داده می‌شود. برای تهیه جهاز شتر پارچه‌ای از موی بز می‌بافند و بشکل دو بالشتک به عرض تقریبی ۳۵ سانتیمتر و طول ۸۵ سانتیمتر می‌دوزند، و توی آن ساقه گندم می‌فشارند و رویش را می‌دوزند. و روی چهارچوبی از عرض سوار می‌کنند، که دو چوب بندی مثلث شکل در جلو و عقب دارد. که قسمت جلو را «قتاب» ۲۶ و قسمت عقب را «غوش» ۲۷ می‌نامند. به غوش طنابی بسته است، که به افسار شتر بعدی متصل است برای قطار کردن شترها، که «قطار بند» نامیده می‌شود.



جهاز شتر
Bât du chameau.

در موقع بار کردن باید حتماً شتر را خسوابانید، و شتر نیز از اول خود خوابیدن را نمی‌تواند، و باید که ساربانان بیاموزند. ابتدا آرنج‌هایش را روی زمین می‌گذارند و سپس سینه‌اش را بر زمین می‌نهند و آنگاه زانوها و شکم را، و آنچه‌ان

۳۱ - barak.

۳۲ - jol.

۳۳ - âzida, آژیده یعنی دوختن چندین لایه پارچه، یا پارچه و نمد، و نوبه بهم‌دیگر، همچون دوختن لعاف است.

۳۴ - jahâz.

۳۵ - qatab.

۳۶ - xu.

صفات ویژه شتر

- ضوابط انتخاب شتر خوب: نژاد، رنگ، زیبایی اندام، نرمی پشم، گشادی بغل است.

- شتر بسیار با عوش است، و در راه‌هایی در شب‌های تاریک مهارت عجیبی دارد، و می‌گویند بوی عذف شب بو را از هفتاد فرسخی می‌شنود، و گشاه در طیب یافتن عذف از یک منطقه به منطقه‌ی دیگری با فاصله‌ی پنجاه فرسخی می‌رود.

- شتر جزو پرخورترین حیوانات است، و غذایی را که می‌خورد آرام آرام نشخوار می‌کند، و ساربانان ورزیده در شب‌ها وقت را از روی نشخوار کردن شتر معین می‌کنند، که هر چه از شب بگذرد نشخوار کردن شتر تندتر می‌شود. نشخوار کردن را «دم بریدن» می‌گویند.

- شتری که داخل و اطراف گوشش پشم داشته باشد، شتر خوش اصلی نیست.

- برای معلوم کردن شتر نجیب، ساربان عقب شتر می‌ایستند، اگر کله شتر پیدا بود می‌گویند نجیب است، زیرا کله شتر نجیب همیشه گردنش را بلند نگاه می‌دارد و سرفراز است.

- می‌گویند اگر شتر نوری با شتر نردگیری جفت گیری

تربیت می‌شود که بمحض این که ساربان کلمه‌ی «هخ»^{۳۸} را بر- زبان آورد، شتر می‌خواهد.

بار را چنان بر شتر می‌نهند، که دو انگه از دو طرف جهاز آویزان باشد.

برای سفر کردن با شتر عده‌ای همراه می‌شوند که هر یک پنج تا ده شتر برمی‌دارند، و از ابتدا یک نفر را به کاروان سالاری برمی‌گزینند، که او را «جلودار» می‌گویند، که هنگام حرکت و ایست، تقسیم کار و دیگر کارهای کاروانی را او معین می‌کند، و ساربانان همه گوش به سخنان او دارند. اگر عده ساربانان زیاد باشد، یکی نان‌پز می‌شود، یکی چایی‌ساز، یکی خورش ساز، یکی آب‌بیار، یکی هیزم‌بیار و

هر کس به نسبت تعداد شترهایش باید شتران را بچراند، که چگونگی آنهم از وظایف جلودار است. نوبت چرار را «گمار»^{۳۹}، و اگر جلودار گمار را به عدالت تعیین نکند، می‌گویند «کافر گماری شده است».

در تابستان‌ها کاروان‌ها شبگیر می‌کنند، یعنی شب‌ها راه می‌سپزند، تا از گرمای سوزنده کویری در امان باشند.

رسم شبگیر کردن این است که دو ساعت از غروب گذشته بار می‌کنند و تا یکساعت آفتاب برآمده راه می‌روند، زیرا می‌گویند اگر بار را در آفتاب بزیور نیاورند، شتر سرما می‌خورد.

شتر را در ابتدا بیش از ۹۰ کیلو بار نمی‌کنند، اما دیده شده که بعضی از شترهای قوی تا ۴۰۰ کیلو بار می‌برند.

۳۸- hex.

۳۹- gomâr، به معنی نوبت است، برگرفته شده از گماردن.

۴۰- damboridan.



زندگی گروهی شترها در کویر

Vie des chameaux en groupes dans le désert.

کند، مفعول بزودی ذوق می‌کند و می‌میرد .
 - شتر بسیار کم می‌خواهد، و اگر خیلی خسته باشد،
 برای چند دقیقه‌ای روی زمین می‌خوابد، و گردنش را دراز
 روی زمین می‌گذارد و پلک‌هایش را برهم می‌نهد.
 - می‌گویند در سال‌هایی که بارندگی زیاد باشد، و به
 اصطلاح «بهارسال» باشد و علف بسیار، شتر تا ۳، ۴ ماه آب
 نمی‌خورد، و همان علوفه آب‌دار برایش کافی است، که این آب
 نخوردن را «هتار»^{۴۱} گویند.

بیماری‌های شتر

۱- استخوانک: بیماری است شبیه ذکام انسان. «استخوانک»
 «استخوان» غضروفی وسط بینی شتر را می-
 گویند، که جهازسواران آن را سوراخ کرده،
 شتر را مهار می‌نمایند.

وقتی شتر سرما می‌خورد، «استخوانک» کلفت می‌شود،
 بطوریکه نمی‌تواند راه برود. برای درمان این بیماری تکه
 نمدی را در آب داغ فرو می‌برند، و روی آتش می‌گذارند،
 و روی دماغ شتر گذاشته با فشار می‌مالند، بعد با دو انگشت
 استخوانک را می‌فشارند، تا عطسه کند (فوس بزند^{۴۲})، و خون
 از دماغش جاری شود، و اگر به این ترتیب معالجه شد، با
 تکه‌ای آهن روی دماغش را داغ می‌کنند.

۲- نهاز^{۴۳}: مرضی شبیه دیفتری آدمی است، و شتر به هنگام
 ابتلای به آن سرش را روی زمین می‌گذارد و سرفه
 می‌کند.

برای درمان آن در حدود ۲۰ تا تخم‌مرغ را به دندان
 شتر می‌زنند و وقتی شکست در گلویش می‌اندازند، و مقداری
 پیاز پخته هم به او می‌خورانند، و سپس مقداری شلغم را
 می‌پزند و بهم می‌زنند تا بصورت آش درآید و در حلق شتر
 می‌ریزند.

۳- دل‌لک^{۴۴}: شتری که این بیماری را بگیرد در آب می‌خواهد
 و عطش بسیار پیدا می‌کند، و غذا نمی‌خورد.
 این مرض قابل علاج نیست و شتر مبتلا می-
 میرد، اما چون مسری است برای این که

شترهای سالم را از آن در امان دارند، سنگ‌های
 نازک و پهن را در آتش می‌ریزند و وقتی کاملاً
 قرمز شد، روی تخت گیوه ساربان می‌نهند، و
 شتر سالم را می‌خواهانند و پایش را می‌بندند
 (عگال می‌کنند^{۴۵}) و سنگ‌های داغ را روی
 کاردگاش (سینه) می‌گذارند و می‌سوزانند،
 و بدین گونه از سرایت این بیماری جلوگیری
 می‌کنند.

۴- آردک: در اثر فروماندگی و بی‌عالی جای‌جای پشم شتر
 می‌ریزد و محل آن سفید می‌شود، مثل این که آرد
 رویش ریخته‌اند. برای درمان آردک روغن منداب
 را داغ می‌کنند و با نمک روی جای آردک شده
 می‌مالند.

۵- گری: اگر پشم شتر را پیش از وقت بچینند، یا بعد از
 چیدن روغن منداب نمانند، خاوشی در بدن شتر
 ایجاد می‌شود که شتر تن خود را گاز می‌گیرد
 و زخم می‌کند، که گرمای تابستان باعث عدونت
 زخم می‌شود، و کم‌کم به همه بدن شتر سرایت
 می‌کند و به هلاکت او می‌انجامد.

درمان این بیماری تنها با مالیدن روغن منداب امکان‌پذیر
 است.

- ۴۱- honâr
- ۴۲- ferras
- ۴۳- nahâz
- ۴۴- delzanak
- ۴۵- agâl

»:

این مختصر خلاصه‌ای است از يك بررسی مصلح که روی «شترداری
 در کوه» و «راه‌های کوهی» (در کوه مرکزی)، انجام گرفته است، و برای
 این کار از همراهی و یاری‌های جمعی از ساربانان و شترداری‌های حوری -
 خوددار بوده‌ام، و نیز بعضی از فرهنگیان حوری چون آقایان: حسین شیبانی،
 یوسف هنری، ابوالقاسم پنهانی، محمد ناصر غلامرضایی، علی‌سروش هیری و
 همراهی درسرها را هم دادند. بسیاری همکاری‌های دیگر فرمودند، که بدین‌گونه
 از همگان سپاس و تشکر بسیار دارم.